

ستون آزاد

این جوهر نیست که بر صفحه ی کاغذ نشسته، خون دیده ی مادری است بر جنازه ی ندیده ی پسرش که از نوک خامه ی من می چکد.

پس تیغ قلم را آنقدر تیز خواهم کرد تا خون به دل کسانی کند که خون بر دلش کردند.

شیخ صفی الدین

هی، فلانی! با شما بودم. هیچ می دانی که زندان چیست؟! از کدامین قاره است این بوم؟ هیچ می دانی که این بوم آشنای، این شوم، از چه اقلیمی ست؟! اصلش اوّل یادگار از کیست؟

شاتقی- زندانی دختر عمو طاووس

گندم جوانه خواهد زد، رشد خواهد کرد و خیلی زود به ثمر خواهد نشست و درختم تا قد برافرازد و سایه بگسترد بر گندم زار، تا سر کشد بر فلک، صبر باید پیشه کنم و استقامت. نمی گویم: "اندکی صبر...."، بلکه گویم: "صبر می کنم چرا که سایه نهال من نزدیک است."

مرداس

خدایا کمک کن پیمانی را که در طوفان با تو بستم در آرمش فراموش نکم.

گرگین

من اهل رویش و دیدارم و تا مغز استخوانم سبز است. من می طیم، من مثل ابر می بارم، من روشنم و مثل قطره قطره باران در آفتاب می رقصم. من با تکه های چوب و کاغذ و پرواز پل می سازم. چه کنم؟ من از جنس بودنم و چون شاخه های سبز زیر ضربه می شکم. من مثل سبزه زیر چکمه های خشونت می میرم.

مردوک

من فقط یگ سودا در سر دارم ،سودای وضوح و روشنایی، به نام بشریتی که این همه رنج برده است و حق دارد که خوشبخت شود. اعتراض آتشین من، فریاد روح من است.

چه

بسی تاریک است مکر آدمی.

شکس

نان از سفره و کلمه از کتاب،چراغ از خانه و شکوفه از انار،آب از پیاله و پروانه از پسین،ترانه از کودک و تبسم از لبان مان گرفته اید،با رویا هامان چه می کنید؟

ارتمیز

دوریمان از دانشجویان در بند، یک قدم کمتر

نریمان مصطفوی، عضو سابق دفتر تحکیم وحدت میگوید: “حدود ۴۰۰ دانشجو در سال ۸۹ به دلایل مختلف بازداشت شده اند. به عنوان مثال در ۱۶ آذر ۸۹ در پی اعتراض ها تنها در این روز ۷۰ دانشجو بازداشت و یا ناپدید شدند. همچنین در یک سال گذشته حدود ۹۰۰ مورد محرومیت و اخراج از دانشگاه داشتیم."

آرش صادقی، او عضو ستاد ۸۸ موسوی و عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی از ۲۴ اسفند ماه سال گذشته در زندان اوین است. آرش همزمان با اوج گیری اعتراضات نسبت به نتایج انتخابات بازداشت شد. در جریان آخرین بازداشت به دلیل محکومیت به شش سال زندان، ماموران امنیتی به خانه آرش می روند و در اثر این حمله ناگهانی مادر ایشان دچار حمله قلبی می شود و بعد از چند روز بستری شدن در بیمارستان فوت می کند. آرش مدتها تحت شکنجه بوده و چند بار هم اعتصاب غذا کرده است که چندی پیش دچار تشنج میشود و به کما می رود. در ماه های گذشته طی اعتصاب غذاها و شکنجه های صورت گرفته، بعضی از اندام های بدن او مثل دست و پا از کار افتاده است.

حسن جولایی، با گذشت نزدیک به ۱۷۰ روز از ریوده شدن این نابغه ریاضی و دانشجوی برتر دانشکده علوم دانشگاه تهران میگذرد. بنا به اظهارات مادرش و برخی از دوستان نزدیک وی، هیچ خبری از وضعیت و محل بازداشتش در دست نمی باشد و همین امر موجب نگرانی های مفرطی در خصوص وضعیت سلامتی وی در میان دوستانش گشته است. او دارای بیش از ده مقاله در نشریات معتبر علمی جهانی بوده و پیش از این از ۴ دانشگاه معتبر جهان دعوت نامه دریافت نموده است. شنیده ها حاکی از آن است که در ابتدای سال گذشته نهاد های امنیتی از شرکت وی در آزمون دکترا نیز جلوگیری به عمل آورده بودند.

مهديه گلرو ، فعال دانشجویی، دبیر انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی، بعد از برگزاری انتخابات و تلاش‌هایش در جهت حفظ انجمن اسلامی و همچنین انتقادهایش به دولت محمود احمدی‌نژاد در حالی که تنها دو ماه به فارغ التحصیلی‌اش از دانشگاه مانده بود، از ادامهی تحصیل محروم شد. او در تاریخ ۱۱ آذر ماه۱۳۸۸ همراه همسرش، وحید لعلی‌پور در منزل شان بازداشت شدند. مهديه پیش از این هم یک بار به خاطر پیگیری‌هایش در مورد محرومیت از تحصیل دانشجویان، بازداشت شده بود. او هم اکنون در بند قزvine زندانیان سیاسی زن نگهداری می شود.

علی اکبر محمدزاده، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف، با گذشت بیش از چهل روز از زمان بازداشت، کماکان در سلول های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین و تحت فشار بازجویی بسر می‌برد. او به دلیل آنچه بازجویانش («اعتراف نکردن به گناه»، اعلام کرده‌اند، تحت فشار قرار گرفته است تا اعتراضاتی خلاف واقع علیه خود انجام دهد. محمدزاده ۲۶ بهمن ماه ۸۹، یک روز پس از خیزش های مردمی ۲۵ بهمن، در مقابل دانشگاه شریف توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شد.

هود یازرلو، که به مدت سه سال در زندانهای اوین و گوهردشت محبوس بود، میبایستی در تاریخ دوم اردیبهشت ماه مصادف با پایان حکم سه ساله اش آزاد می گردید، اما مأمورین در همین روز بنون اطلاع خانواده و وکیلش هود را به اوین منتقل کردند.

 	ضمیمه: برگرداشت زادروز یاران دبستانی دربند، مجید دری، میلاد اسدی و علی ملیحی	
 	طی فراخوانی مشترک زادروز تولد مجد دری، میلاد اسدی و علی ملیحی گرامی داشته میشود. آنها ایستادند و حاضر نشدند تعهد بدهند که در مقابل ظلم سکوت کنند. می دانستند باز خواهند گشت، می دانستند انکار می شوند، اما فریاد بر آوردند.	
 	مجد دری، عضو شورای دفاع از حق تحصیل، متولد ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ و محکوم به ۶ سال حبس به همراه تبعید در زندان بیپیهان است. او از ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸، بدون مرخصی در زندان بسر می برد.	
 	میلاد اسدی، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، متولد ۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ و محکوم به ۷ سال حبس تعزیری است. وی در ۹ آذر ۱۳۸۸ دستگیر شد. وی از زمان دستگیری تا کنون تنها یک بار در ایام نوروز به مرخصی آمده است.	
 	علی ملیحی، روزنامه نگار و عضو سازمان دانش آموزتگان ایران، متولد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ و محکوم به ۴ سال حبس است. وی از زمان دستگیری-۲۱ بهمن ۱۳۸۸- بدون مرخصی در زندان بسر می‌برد.	

روزشمار

- در ۹ اردیبهشت ماه ۸۹، ۶۰۰ تن از کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران در استان فارس با انتشار بیانیه ای خواستار تحقق مطالباتشان، از جمله دریافت ۱۳ ماه حقوق موقه خود شدند.
- در۷اردیبهشت همین سال نیز ۱۷۰ کارگر رسمی کارخانه "چینی البرز" دست از کار کشیدند.
- در اردیبهشت ۸۹ چندین قراخوان برای دعوت به حضور گسترده در نمایشگاه کتاب انجام گرفت.
- انتشار نامه سرگشاده محمد نوری زاد در اردیبهشت ۸۹خطاب به آیت‌الله خامنه ای. او در این نامه گفت: "شما رهبری را از دست داده اید و اگر یک روز سرنیزه را برداری و نیرو را در خیابان نداشته باشید معلوم نیست که تا شب چه می شود."
- تجمع صدها نفر از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت اراک در اردیبهشت ۸۹ مقابل اداره کل وزارت علوم در اعتراض به نبود مجوز انتشار نشریه دانشجویی در دانشگاه.
- ۱۰اردیبهشت روز ملی خلیج همیشه فارس

صاحب امتیاز: همه دانشجویان سبز ایران
مدیر مسئول: چه
مدیر اجرایی و سردبیر: شیخ صفی
سرویس خبری و بخش اینترنت: مرداس
هینت تحریریه: گرگین، شکس، مردوک و شاتقی
همکاران: آرتمیز، خبث و پیرمرد دریا
تیراژ: ۱۰۰۰

E-mail: faryad.nashrieh@gmail.com
Facebook:www.facebook.com/faryad.nashrieh

گاهنامه

نشریه مستقل دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

سر مقاله

پس از عدم پذیرش درخواست ما مبنی بر ایجاد یک نشریه زیر نظر دفتر فرهنگ دانشگاه برای ابراز خواست ها و نیازهای دانشجویان از جنبه های فرهنگی، سیاسی و... برآن شدیم تا تصمیم خود را بدون در نظر گرفتن محدودیت های دانشگاه عملی سازیم.

در این راستا پس از صحبت و همفکری با جمع محدودی از دوستان و همکلاسی های همفکر خود، گروه کوچکی تشکیل داده و بنا را بر این گذاشتیم تا خبرنامه ای در خصوص حوادث سیاسی واجتماعی دانشگاه و جامعه ی خود منتشر کنیم و همچنین به انتشار اخبار و رویدادهای در خور توجه، حوادثی که از لایه های میزب ی رسانه های حکومت عبور نمی کنند، بپردازیم. تا بتوانیم در محاصل کارمان نظرات و دیدگاه ها و عقاید خود را نیز که برخاسته ازافکار دانشجویان هم اندیشمان است، منعکس نماییم. نکته ی قابل ذکر در این خصوص این است که انگیزه اصلی ما برای ایجاد چنین نشریه ای، احسالی مسئولیت در قبال خاذه موجود در حلقه ارتباطی میان طرفداران جنبش آزادی خواه در دانشگاهامان و همه کسانی که به گونه ای از وضعی موجود نراضی بوده و خواهان تغییر شرایط به نفع آزادی های مدنی و حقوق شهروندی می باشند.

امید است ارتباط میان طرفداران جنبش آزادی خواه از یک سو و اطلاع رسانی میان دانشجویان و دانشگاهیان از سوی دیگر از گستره ی فضای مجازی و شبکه های اجتماعی اینترنت، به متن جامعه دانشگاهی نیز گسترش یابد وارابط میان یاران و همراهان به سوی مدنی هرچه بیشتر سوق یافته تا خواسته ها و اهداف مشترکمان پررنگ تر شده و به سمت نتایج و دستاوردهای عام تر و واضح تری پیش رود. سخن دیگری که گفتنش را در اینجا لازم می دانم، هدف ما، اعضای این نشریه از انجام این کار است. ما نیز مانند همه انسان ها خواهان آزادی برای خود و دوستانمان هستیم. خواهان کشوری هستیم که در آن بتوانیم به راحتی زندگی کنیم، به دور از نگرانی حرف خود را بزینم، اعتقادات خود را مطرح کنیم و به اندازه ی سعی و تلاشی که از خود نشان می دهیم در کشور خود بمانیم و به بالندگی آن کمک کنیم. آرزوهای داریم از این دست که می دانیم در ذهن و روح هر انسان آزادی وجود دارد. اما قطعاً می دانیم انتشار یک نشریه در یک دانشگاه، ما را به خواسته های آرمانیمان نخواهد رساند! ما تصمیم به انتشار این گاهنامه گرفتیم چون انجام آن کمترین کار و شاید تنها کاری است که در این برهه از زمان توانایی انجامش را داشتیم. ما خطرات این کار را پذیرفتیم و دشواری های آن را بر خود آسان کردیم تا کمینه وظیفه ی خود را نه فقط به عنوان دانشجو که به عنوان یک انسان در برابر خود، جامعه و خدای خود انجام دهیم. حالا خطر هرچه باشد، سختی هرچه باشد و بالاتر از این ها، نتیجه هرچه باشد، برای ما شیرین و مطلوب خواهد بود.

در خاتمه و برای اجتناب از اطناب سخن تنها به ذکر این نکته بسنده می کنم که یقین داریم کار ما خالی از اشکال و خطا نخواهد بود، چه از جهت بروز اندیشه مان و چه از نظر سباق کار مطبوعاتی. آنچه پیش روی شماست حاصل تلاش جمع کوچکی از جامعه ی بزرگ معترضان است در جهت ادای سهم خود درجنبش عظیم ایرانیان. امیدواریم که نتیجه ی اندیشه و عمل ما مورد لطف و توجه شما دوستان قرار گیرد و صمیمانه از همه شما با هر طیف فکری و عقیدتی تقاضا داریم با ارائه ی نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود از طریق پست الکترونیکی خبرنامه و یا در صفحه فیسبوک، ما را در برداشتن گامی هرچند کوچک در جهت آرزوی بزرگ همگی مان که همانا آزادی و سریلندی سزمین پدری است یاری نمایند.

بر سر آتم که گر ز دست بر آید
دست به کاری زنم که غصه سر آید
سردبیر

منصور اسانلو نیاز فوری به جراحی عمل قلب دارد

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل با انتشار بیانیه ای در روز جمعه اعلام کرد که شرایط جسمانی منصور اسانلو، رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، بدتر شده و او نیاز به عمل جراحی فوری قلب دارد.این فعال کارگری از زمان بازداشت در تیر ماه سال ۸۶، یک روز نیز امکان استفاده از مرخصی را نداشته است.

فتنه آخرالزمان و دغدغه های احمدی نژاد

محمود احمدی‌نژاد کماکان به جلسه هیأت دولت نمی رود. این دومین غیبت او در جلسات هیأت دولت پس از ابقای وزیر اطلاعات به حکم آیت‌الله خامنه‌ای است. امام جمعه مشهد به او هشدار داده اگر از رهبر تبعیت نکند «حکومتش نامشروع» است!

محمود احمدی‌نژاد همچنان در قبال حکم آیت‌الله خامنه‌ای درباره وزیر اطلاعات سکوت کرده است، در جلسات هیأت دولت شرکت نمی‌کند و به محل کار خود هم نمی‌رود. سکوت معنادار که تقابلی آشکار با رهبر تلقی شده است . گفته می‌شود احمدی‌نژاد با آیت‌الله خامنه‌ای دیدار داشته و در این دیدار از «دغدغه‌هایش» سخن گفته است. هنوز از چند وچون دغدغه هایی که او در دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای طرح کرده، خبری منتشر نشده است. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی برنا قرار است برخی بزرگان کشور و تعدادی از علما نیز با محمود احمدی‌نژاد دیدار کنند .

حکومت نامشروع

سکوت توأم با تقابل احمدی‌نژاد در برابر ابقای وزیر اطلاعات، از سوی هواداران حاکمیت بدون واکنش نمانده است. امام جمعه مشهد، علم الهدی، روز چهارشنبه (۷ اردیبهشت ۹۰) به خبرگزاری فارس گفت: «چنانچه تبعیت از ولی فقیه از سوی کارگزاران کشور وجود نداشته باشد، حکومت آنها نامشروع است، حتی اگر تمام مردم به او رأی داده باشند».

فرمانده سپاه پاسداران نیز که پیشتر نسبت به شکل‌گیری یک «جریان انحرافی» در میان اصولگرایان هشدار داده بود، اعلام

علت مرگ شهید چهارشنبه سوری

پدر بهنود رضائی، دانشجوی سال اول رشته مکانیک دانشگاه صنعتی بابل که روز ۲۴اسفند ماه در میدان ۲۲ نارمک جان باخت، میگوید: "برخلاف ادعای برخی سایت های حکومتی که نوشتند بهنود به علت انفجار بمب های دست ساز که در جیب هایش جاسازی کرده بود جان باخته است، پسرش شب چهارشنبه سوری از سوی موتورسواران به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته، دست، پا و گردن او شکسته و جان باخته است." پزشکی قانونی در گواهی فوت صادره، علت فوت این جوان ۱۹ ساله را «صدمات متعدد ناشی از اصابت جسم سخت» عنوان کرده است.

کرده: «فرماندهان سپاه فقط در مسائل نظامی منتظر دستور می‌ماند». او پیش‌تر رئیس جمهور را چهره‌ای موجه قلمداد کرده بود که دچار غفلت شده و به «جریان انحرافی» امکان داده پشت سرش سنگر بگیرند. حمله به رئیس جمهور و نزدیک‌ترین چهره به او، اسفندیار رحیم‌شایی مدت‌هاست آغاز شده است. از فرماندهان بسیج و سپاه تا گروهی از نمایندگان و رئیس مجلس و امامان جمعه، جنجال واقعی را ما در رسانه‌های خود

جمهوری اسلامی انعکاس پیدا کرد. سایت‌های طرفدار احمدی‌نژاد و مشایی نیز در مقابل هشدارها و تهدیدهای جناح مقابل خط و نشان کشیدند.

سایت دولت‌یار از سایت‌های نزدیک به احمدی‌نژاد روز ۳۰ فروردین خطاب به مخالفان دولت نصحیت کرد که خود را به ورطه نابودی گروه‌های معاند قبل نیندازند. این سایت نوشت: «کاری نکنید که دکتر، مهر

از دهان بردارد که اگر چنین شود با مردم خشمگینی طرف خواهید بود که فتنه شما را در

نیمی از روز جمع خواهند کرد.»

تا به حال تنها اسفندیار رحیم مشایی، رئیس دفتر رئیس جمهور بود که هدف حملات قرار داشت. مردی که محمود احمدی‌نژاد برای حمایت از او هزینه‌ای سنگین داده است. آقای احمدی‌نژاد علیرغم همه انتقاده‌ا، چه در مجلس، چه در میان امامان جمعه و چه از سوی فرماندهان سپاه و بسیج و حتی خود رهبر، نه تنها از این حمایت دست نکشید، بلکه برای نشاندن مشایی بر صندلی ریاست جمهوری در دور بعدی انتخابات هم دورخیز می‌دهد. با این حال، هم و او هم رهبر به معضلات دیگری هم گره خورده اند: تورم، گرانی ناشی از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، بیکاری، اعتراض، اعتصاب و نارضایتی عمیق در میان بخش‌های از مردم و بحران با کشورهای همسایه در منطقه‌ای به شدت پرتنش.

این قضایا که آن‌چنان اهمیتی هم ندارد، چه جنجالی را اینان به راه انداخته‌اند.»

محمد نوری زاد هم اکنون چهل روز است که در اعتصاب غذا بسر می برد

محمد نوری زاد که با قلم فصیح و توانای خود بعد از انتخابات ریاست جمهوری بارها مسائل و رفتارهای سران حکومت ایران را مورد نقد قرار داده بود و با کلامی تلسوزانه نیز آنان، خصوصاً آیت الله خامنه ای را نسبت به رفتارها و گفتارهایش نکاتی را متذکر شده بود. تنها و تنها به جرم داشتن قلمی شیوا و صریح آن هم بدون طعنه و کنایه و بی حرمتی، بیش از ۱۶ ماه است که در زندان به سر می برد و نزدیک به چهل روزاست که در اعتراض به عدم توجه به خواسته‌های قانونی خود مجدداً دست به اعتصاب زده است و حاضر به ملاقات نیز نمیباشد.

شماره اول



جنجال واقعی را ما در رسانه‌های خود جمهوری اسلامی انعکاس پیدا کرد. سایت‌های طرفدار احمدی‌نژاد و مشایی نیز در مقابل هشدارها و تهدیدهای جناح مقابل خط و نشان کشیدند.

سایت دولت‌یار از سایت‌های نزدیک به احمدی‌نژاد روز ۳۰ فروردین خطاب به مخالفان دولت نصحیت کرد که خود را به ورطه نابودی گروه‌های معاند قبل نیندازند. این سایت نوشت: «کاری نکنید که دکتر، مهر

از دهان بردارد که اگر چنین شود با مردم خشمگینی طرف خواهید بود که فتنه شما را در

نیمی از روز جمع خواهند کرد.»

بساط کدامیک در «نیمی از روز» جمع می‌شود؟

محمود احمدی‌نژاد همان رئیس جمهوری است که آقای خامنه‌ای، همه مشروعیت خود را در جریان پیامدهای پس از انتخابات ریاست جمهوری هزینه حمایت از او کرد و اکنون نیز سوی فرماندهان سپاه و بسیج و حتی خود رهبر، نه تنها از این حمایت دست نکشید، بلکه برای نشاندن مشایی بر صندلی ریاست جمهوری در دور بعدی انتخابات هم دورخیز می‌دهد. با این حال، هم و او هم رهبر به معضلات دیگری هم گره خورده اند: تورم، گرانی ناشی از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، بیکاری، اعتراض، اعتصاب و نارضایتی عمیق در میان بخش‌های از مردم و بحران با کشورهای همسایه در منطقه‌ای به شدت پرتنش.

مریم انصاری

آغاز اعتصاب غذای شیرکو معارفی، زندانی سیاسی کُرد محکوم به اعدام
شیرکو معارفی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و محاربه با خدا به اعدام محکوم شده بود، به احتمال قوی روز ۱۳ اردیبهشت ماه اعدام می شود.
دراین بیانیه تأکید شده است که یک ماه پس از حمله به مقام های جمهوری اسلامی در استان کردستان در مهر ماه سال گذشته، دادستان شهرسندج با هدف انتقام جویی دستور اجرای فوری حکم سه زندانی فعال سیاسی کُرد از جمله شیرکو معارفی، احسان فتاحیان و حبیب الله لطیفی را صادر کرد که احسان فتاحیان در دی ماه سال ۸۸ اعدام شد.
در حال حاضر، ۱۴ تن دیگر از ایرانیان کرد زندانی در انتظار اعدام خود توسط جمهوری اسلامی هستند.